



Linguistic Analysis Techniques for Literature Students: A Study of Speech Acts in Social Criticism - Case Study of the Play "What About Tomorrow?"

Ali bagher Taheri nia

Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

Shahriar Niazi

Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

Zahra Fallahnejad

Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

Keywords:

Speech act,
Pragmatics,
Linguistics,
Social criticism,
Playwriting.

Corresponding author

✉ btaheriniya@ut.ac.ir

This article presents a scientific analysis of speech acts in the play "What About Tomorrow?" (Farda Che Mishavad?) by Ziad Rahbani, one of the prominent works of contemporary theater. Written in 1978, this play is considered one of the most important theatrical works of the Lebanese civil war period. This research utilizes the pragmatic theories of John Austin and John Searle to examine five types of speech acts in the play's text, including directive, commissive, expressive, representative, and declarative acts. The analysis reveals that directive acts (commands, requests, and suggestions) have the highest frequency in the play and play a crucial role in representing social power relations. Commissive acts (promises and oaths) reflect the cultural and moral values of Lebanese society. Expressive acts reveal the psychological complexities of the characters and are often intertwined with Lebanon's multilingual culture. Representative acts reflect socio-economic realities, while the absence of declarative acts symbolizes the characters' inability to change social conditions. Overall, more than half of the play's utterances contain directive and expressive acts, indicating the tense and emotional atmosphere of the war period. The research findings demonstrate that Rahbani, through creative use of the Lebanese dialect (a combination of Arabic, French, English, and Aramaic), has created multi-layered speech acts that not only narrate life in Lebanon during the civil war but also serve as powerful tools for social and political criticism. This study shows that the characters' utterances in the play, beyond conveying meaning, represent complex relationships of power, identity, and social contradictions in Lebanese society. This linguistic analysis demonstrates how language in this theatrical work transcends its role as a communication tool to become an agent for transformation, criticism, and social impact.

DOI: 10.48310/rpllp.2025.19415.1223

Received: 1403/11/25

Reviewed: 1403/12/25

Accepted: 1404/02/12

PP:24

Citation (APA): Taheri nia , A et al. (2025). Linguistic Analysis Techniques for Literature Students: A Study of Speech Acts in Social Criticism - Case Study of the Play "What About Tomorrow?". *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 6(1), 91-114.

 <https://doi.org/10.48310/rpllp.2025.19415.1223>



تکنیک‌های تحلیل زبان‌شناختی برای دانشجویان ادبیات: مطالعه کنش‌های گفتاری

در نقد اجتماعی مطالعه موردی نمایشنامه «فردا چه می‌شود؟»

علی‌باقر طاهری‌نیا

گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

شهریار نیازی

گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

زهرا نژادفلاح

گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

این مقاله به تحلیل علمی کنش‌های گفتاری در نمایشنامه «فردا چه می‌شود؟»، (فردا چه می‌شود؟) اثر زیاد الرحبانی، یکی از آثار برجسته تئاتر معاصر می‌پردازد. این نمایشنامه که در سال ۱۹۷۸ نوشته شد، یکی از مهم‌ترین آثار تئاتر جنگ داخلی لبنان محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه‌های پراگماتیک جان آستین و جان سرل، پنج نوع کنش گفتاری شامل کنش‌های ترغیبی، تعهدی، عاطفی، اظهاری و اعلانی را در متن نمایشنامه بررسی کرده است. تحلیل نشان می‌دهد که کنش‌های ترغیبی (دستورات، درخواست‌ها و پیشنهادها) بیشترین کاربرد را در نمایشنامه داشته و نقش مهمی در نمایش روابط قدرت اجتماعی ایفا می‌کنند. کنش‌های تعهدی (قول‌ها و سوگندها) بازتاب‌دهنده ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی جامعه لبنان هستند. کنش‌های عاطفی، پیچیدگی‌های روحی شخصیت‌ها را نمایان می‌سازند و غالباً با فرهنگ چندزبانی لبنان آمیخته‌اند. کنش‌های اظهاری، واقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی را منعکس می‌کنند و غیاب کنش‌های اعلانی، نمادی از عجز شخصیت‌ها در تغییر شرایط اجتماعی است. در مجموع، بیش از نیمی از گفتارهای نمایشنامه حاوی کنش‌های ترغیبی و عاطفی هستند که نشان‌دهنده فضای پرتنش و عاطفی دوران جنگ است. یافته‌های پژوهش آشکار می‌سازد که الرحبانی با بهره‌گیری خلاقانه از لهجه لبنانی (ترکیبی از عربی، فرانسوی، انگلیسی و آرامی)، کنش‌های گفتاری چندلایه‌ای آفریده که نه تنها روایتگر زندگی لبنان در دوران جنگ داخلی هستند، بلکه ابزاری قدرتمند برای نقد اجتماعی و سیاسی نیز محسوب می‌شوند. این پژوهش نشان می‌دهد که گفتارهای شخصیت‌ها در نمایشنامه، علاوه بر انتقال معنا، بازنمایی روابط پیچیده قدرت، هویت و تناقضات اجتماعی در جامعه لبنان هستند. این تحلیل زبان‌شناختی نشان می‌دهد که چگونه زبان در این اثر نمایشی، فراتر از ابزار ارتباط، به عاملی برای تحول، نقد و تأثیرگذاری اجتماعی تبدیل شده است.

DOI:

10.48310/rplp.2025.19415.12
23

واژه‌های کلیدی:

کنش گفتاری،
پراگماتیک،
زبان‌شناختی،
نقد اجتماعی،
نمایشنامه‌نویسی.

۱. نویسنده مسئول

btaheriniya@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲

شماره صفحات: ۲۴

۱. مقدمه

به‌منظور درک بهتر و کشف و شناسایی کنش گفتارهای ثبت شده در آثار ادبی، ناچار به بررسی نظریه‌ها و نوشتارهای موجود در این حیطه از ادبیات هستیم و علی‌رغم اندک‌بودن پژوهش‌ها در حوزه کنش گفتارها و برای دستیابی به دسته‌بندی کنش گفتارها با هدف درک بهتر و بیشتر و همچنین توسعه دانش منظورشناختی، نیاز به تحقیق و تدقیق افزون‌تری در خصوص کاربرد انواع کنش‌های گفتاری در آثار ادبی با تأکید بر انطباق آنها با مباحث موجود در نظریه کنش‌ها خواهیم داشت.

چارچوب پژوهش حاضر بر اساس الگوهای کنش گفتارهای کاربردشناسی به‌عنوان یکی از زیر شاخه‌های زبان‌شناسی و نیز بر پایه رویکرد سرل بنا نهاده شده است که بررسی کنش گفتارها و پاره‌گفتارها در درون بافت اثر ادبی خواهد پرداخت. تحلیل کنش گفتاری رویکردی است که متون ادبی را از منظر ساختارهای زبانی و زمینه‌های متنی مورد مطالعه قرار می‌دهد. این رویکرد که ریشه در مبانی زبان‌شناسی دارد، عمدتاً به دنبال کشف و آشکارسازی محتوای پنهان و ناگفته‌های متون است. چنین ناگفته‌هایی از طرق گوناگونی قابل‌شناسایی هستند، از جمله از طریق تحلیل واژگان متن و معانی آنها، بررسی دلالت‌های ضمنی کلمات و عبارات، شناخت پیش‌فرض‌های موجود در متون، و واکاوی ساختارهای جمله‌ای و عناصر نحوی متنوع (سیدی و حامدی شیروان، ۱۳۹۱: ۵).

تعریف رایج از تحلیل گفتمان را می‌توان بررسی و واکاوی زبان در هنگام استفاده عملی از آن دانست. لازم به ذکر است که تحلیل گفتمان محدود به بررسی صرف قالب‌های زبانی نیست، بلکه مستلزم در نظر گرفتن مقاصد، کارکردها و نقش‌هایی است که این ساختارها برای رسیدگی به مسائل بشری طراحی شده‌اند (فضائلی و نگارش، ۱۳۹۰: ۸۳). در همین راستا، گریزی به موضوع کنش‌های گفتاری پنج‌گانه از دیدگاه سرل شامل پنج کنش اظهاری، تعهدی، عاطفی، ترغیبی و اعلامی و در گام بعدی به سطح دوم کنش گفتارها یعنی کنش حضوری که آستین آنها را به پنج دسته کنش گفتارهای حکمی، تحکمی، تعهدی رفتاری و توضیحی تقسیم نموده اشاره خواهیم داشت. آستین در حقیقت، میان گزاره‌های معنادار و گزاره‌های فاقد معنا تفکیک قائل می‌شود. از دیدگاه او، عبارات خبری واجد معنا هستند، و با ارائه طبقه‌ای جدید از عبارات روزمره که نه بی‌معنا و نه خبری بودند، آن دسته‌بندی موجود را مردود می‌شمارد. او این عبارات معنادار غیرخبری را جملات کنشی نامید؛ چرا که با لحاظ کردن بافت و موقعیت، تولید این عبارات به‌مثابه انجام یک فعالیت قراردادی اجتماعی عمل می‌کند. عبارات کنشی، جملاتی هستند که صدور آنها با توجه به زمینه و شرایط به منزله اجرای یک عمل قراردادی اجتماعی تلقی می‌گردد» (پهلوان زاده و اصطهبانی، ۱۳۸۷: ۳). این قبیل جملات به خودی خود موجب

دگرگونی در وضعیت پس از ادای آنها می‌شوند. به آستین، با پیچیده‌تر شدن تعاملات زبانی و اجتماعی، افعال صریح در پی افعال ضمنی تحول می‌یابند. هر جمله حاوی کنش ضمنی قابلیت گسترش به جمله‌ای را دارد که مشتمل بر فعل اخباری (بیانی) اول شخص یا فعل اخباری (بیانی) مجهول در دوم شخص یا سوم شخص مفرد باشد و همچنین فعل جمله به فعالیت اشاره می‌کند که توسط گفتار کنشی محقق می‌شود» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۹). لازم به ذکر است که غالباً مراعات آداب اجتماعی منجر به شکل‌گیری کنش گفتاری غیرمستقیم می‌شود، برای مثال هنگامی که برای درخواست انجام کاری به صورت پرسشی از فردی تقاضایی می‌کنیم؛ مقصود واقعی از این سؤال، کسب دانش و اطلاعات نیست. در عبارت «آیا امکان دارد لطف کنید و دستم را بگیرید؟» گوینده خواهان شنیدن پاسخ مثبت بدون عمل به آن نیست؛ بلکه این درخواست امری را به شکلی غیرمستقیم مطرح نموده و مخاطب نیز متقابلاً اقدامی را برای وی انجام می‌دهد. حقیقتاً، رعایت اصول ادب و نزاکت، اصلی‌ترین انگیزه غیرمستقیم بودن کنش‌های امری به شمار می‌آید» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

رویکرد تحلیل گفتمان عمدتاً در پی آشکارسازی لایه‌های پنهان متن و واکاوی معانی نهفته و زیرساختی کلام است. در بررسی متن، عمدتاً آن مفاهیم مستتری مدنظر قرار می‌گیرند که مؤلف بنا بر ملاحظات همچون دغدغه‌های سیاسی، بسترهای تاریخی و عواملی از این دست، قادر یا مایل به بیان صریح آنها نیست. لایه‌های پنهان متن را می‌توان از طرق گوناگون مانند تحلیل دقیق واژگان و معانی آنها، بررسی دلالت‌های تلویحی کلمات و عبارات، کشف پیش‌فرض‌های نهفته در متن، و موشکافی ساختار جمله‌ها و ویژگی‌های نحوی آنها آشکار ساخت. یکی از روش‌های مهم دیگر برای استخراج ناگفته‌های یک متن، بررسی کنش‌های گفتاری مندرج در آن است. این کنش‌های گفتاری از عناصر کلیدی و بنیادین در حوزه کاربرشناسی زبان محسوب می‌شوند که در حوزه تحلیل گفتمان نیز کاربردی مؤثر دارند (فضائی و نگارش، ۱۳۹۰: ۸۳).

شایان ذکر اینکه، گرچه پژوهشگرانی به تفصیل پیرامون کنش گفتارها مباحثی را مطرح نموده‌اند، لیکن تاکنون پژوهش‌های اندکی در موضوع کنش گفتارها صورت پذیرفته است. در زبان فارسی گفته شده است که، می‌توان این را بیان کرد که زبان عامیانه، گونه‌ای از زبان گفتاری فارسی است که از آزادی بیشتری برخوردار است و در آن گاهی از کلمات رکیک و بی‌ملاحظه نیز استفاده می‌شود. امروزه و در پرتو مطالعات زبان‌شناختی، مشخص شده که دیگر زبان عامیانه، زبانی نازل یا پست نیست. درست است که هنوز استفاده از واژگان و اصطلاحات عامیانه در نوشته‌های علمی عیب است، اما این بدان معنا نیست که زبان عامیانه، زبانی بی‌اعتبار است. اکنون افکار و اثبات شده که نزدیک‌شدن زبان نوشته‌ها به زبان گفتار و عامیانه، صمیمیت

آن‌ها را افزایش می‌دهد، به نوشته‌ها تحرک و جنبش بیشتری می‌بخشد و فاصله بین نویسنده و خواننده را کم می‌کند (شهبازی، ۱۴۰۰: ۷۳)؛ لذا ما در این تحقیق درصدد استخراج و آشکارسازی نکات تازه‌ای پیرامون کنش گفتارهای مندرج در این نمایشنامه لبنانی هستیم.

باتوجه به آنچه در بالا ذکر شد و نظر به اهمیت کنش‌های گفتاری در کشف لایه‌های پنهان متون، زبان به عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطی انسان‌ها نقش بنیادین در بازنمایی واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد. این نقش در آثار نمایشی، به دلیل ماهیت گفت‌وگومحور آنها، اهمیتی مضاعف می‌یابد. در این میان، نمایشنامه «فردا چه می‌شود؟» اثر برجسته زیاد الرحبانی که به زبان عامیانه لبنانی نگاشته شده، نه تنها یکی از شاخص‌ترین آثار تئاتر معاصر لبنان محسوب می‌شود، بلکه به دلیل ویژگی‌های زبان‌شناختی منحصر به فرد و بازتاب هنرمندانه واقعیت‌های اجتماعی دوران جنگ داخلی لبنان، از ارزش مطالعاتی فوق‌العاده‌ای در حوزه زبان‌شناسی کاربردی برخوردار است.

مسئله اصلی این پژوهش، فقدان مطالعات جامع درباره چگونگی کاربرد کنش‌های گفتاری در این نمایشنامه و نقش این کنش‌ها در بازتاب واقعیت‌های اجتماعی - سیاسی جامعه لبنان است. این در حالی است که بررسی دقیق این کنش‌ها می‌تواند به درک عمیق‌تری از ساختارهای قدرت، تعاملات اجتماعی و سازوکارهای نقد اجتماعی در متن نمایشنامه منجر شود. مسئله قابل توجه دیگر، ویژگی منحصر به فرد گویش چندزبانه لبنانی در این نمایشنامه است که همان‌طور که در مورد زبان عامیانه گفته شد، از آزادی و صمیمیت بیشتری برخوردار بوده و موقعیتی استثنایی برای مطالعه تأثیر تداخل زبانی بر شکل‌گیری کنش‌های گفتاری فراهم می‌آورد. این چندزبانگی نه تنها یک ویژگی زبانی، بلکه نشانگر تعارض‌های هویتی و فرهنگی عمیقی است که جامعه لبنان با آن دست‌به‌گریبان بوده است.

بنابراین، این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه کنش‌های گفتاری سرل و با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و نیت نویسنده و شخصیت‌های نمایشنامه، به بررسی این سؤال اصلی می‌پردازد: چگونه زیاد الرحبانی از کنش‌های گفتاری پنج‌گانه سرل در نمایشنامه «فردا چه می‌شود؟» بهره برده است و این کنش‌ها چه نقشی در بازنمایی واقعیت‌های اجتماعی - سیاسی جامعه لبنان در دوران جنگ داخلی ایفا می‌کنند؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

اگر چه مباحث مفصلی پیرامون کنش گفتارها مطرح شده؛ اما باتوجه به بررسی‌های انجام شده، تا کنون پژوهش‌های اندکی در حوزه کنش گفتارها انجام شده است.

پژوهش «بررسی کنش‌های گفتاری در نمایشنامه مرگ یزدگرد بر اساس آرای سرل» سمیه قبادی، حنیفه قبادی (۱۴۰۰) در این پژوهش در بررسی انجام شده بر اساس دسته‌بندی کنش‌های گفتاری از دیدگاه سرل دریافت شده که شخصیت‌های این نمایشنامه بر اساس جنسیت، موقعیت و جایگاه اجتماعی کنش گفتاری متفاوتی دارند، باتوجه به نتایج این تحقیق، سپاهیان شاه که از جایگاه قدرت بالاتری دارند و از طبقه فرادست جامعه هستند بیشترین میزان کنش ترغیبی را در گفتار خود به کار می‌برند که با جمالت امری، درخواست‌ها، هشداردادن و... همراه است، همچنین بیشترین سهم کنش اظهاری که با فعل کنشی اعتراض کردن و تقدردن همراه است در گفتار آسیابان و خانواده او که از قشر فرودست جامعه است وجود دارد. پژوهشی دیگر به نام «کنش‌های گفتاری در ترجمه نمایشنامه» مرجان قرجیان (۱۳۸۶) در این تحقیق که بر پایه مطالعه موازی و مطالعه تطبیقی متون قرار دارد، محقق سعی کرده است با تجزیه و تحلیل صفحاتی از نمایشنامه‌های فارسی، پربسامدترین کنش گفتاری در نمایشنامه‌های فارسی را یافته و اشکال زبان‌شناختی را که برای بیان آن مورداستفاده قرار می‌گیرد، ارائه دهد. پایان‌نامه‌ای به نام «بررسی تأثیر آموزش صریح و غیرصریح با استفاده از نمایشنامه بر درک و تولید کنش‌های گفتاری» سیدمحمد باقرزاده حسینی (۱۳۹۵) نشان می‌دهد گرچه آموزش غیرصریح (مواجهه با مطالب برجسته شده بعلاوه فعالیت‌های انگیزش هوشیاری) در توسعه دانش منظورشناختی مؤثر است، به‌اندازه آموزش صریح نمی‌تواند مؤثرتر باشد. تحلیل عملکرد گروه‌ها در پیش‌و پس‌آزمون تستی نشان داد که گروه‌ها پیشرفت کرده بودند منتهی تفاوت چشمگیری میان گروه‌ها در نتیجه چهار وضعیت آموزشی وجود نداشت؛ یعنی آموزش فارغ از مواد و روش آموزش می‌تواند دانش کنش‌های گفتاری فراگیران را ارتقا دهد. در کل یافته‌های این تحقیق گویای آن است که برای توسعه دانش منظورشناختی به‌نوعی آموزش نیاز است هرچند آموزش صریح به نظر مفیدتر می‌نماید. پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی عناوین روزنامه ورزشی گل از دیدگاه کنش‌گرایی آستین» دانیال کامجو (۱۳۹۵) در این پژوهش تعداد ۲۰۰ عنوان از میان عناوین روزنامه ورزشی گل انتخاب و بر اساس انواع کنش‌ها بررسی و بسامد هرکدام از انواع کنش‌ها و زیربخش‌های آن‌ها مشخص شد. پژوهش «بررسی کاربرد انواع کنش‌های گفتاری در غزلیات حافظ» محمد عطارزاده (۱۳۹۷) در این پژوهش انواع کنش‌ها و زیرمجموعه‌های آن‌ها و نیز بررسی بسامد و تحلیل فراوانی انواع کنش‌ها، به ما نشان خواهد داد که تا چه اندازه غزلیات حافظ با مباحث موجود در نظریه کنش‌ها منطبق است و انواع کنش‌ها تا چه اندازه و به چه شکل در غزلیات حافظ به کار رفته‌اند. این چیزی است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود. تحقیق «بررسی نوبت‌گیری و کنش‌های گفتاری در نمایشنامه آهسته با گل سرخ باتکیه بر مطالعات سبک‌شناسی درام» بهروز محمودی بختیاری و سید مصطفی

حسینی (۱۳۹۱) پژوهش حاضر با بهره‌گیری از دو معیار مذکور، نمایشنامه‌آهسته با گل سرخ اکبر رادی موردبررسی قرار گرفته است و تلاش بر این بوده که شناخت سبک‌شناسانه روشنی از نمایشنامه حاصل شود. خواهیم دید که شخصیت‌های قدرتمند و چالش‌گر برای رسیدن به قدرت بیشتر با کمک ابزارهای فوق در متن قابل‌شناسایی خواهند بود. این موضوع هم در بررسی نوبت‌گیری و هم در بررسی کنش‌های گفتاری قابل‌مشاهده خواهد بود. در پژوهش «کنش‌های گفتاری سرل و پیوند آن با جنسیت و جایگاه اجتماعی در گرشاسب‌نامه» مریم جلالی و معصومه صادقی (۱۳۹۵) در این تحقیق تلاش شده تا بر مبنای تئوری کنش‌گفتارهای سرل گفتارها استخراج شوند سپس به تبیین و تحلیل گفتار زنان و مردان حاضر در گرشاسب‌نامه پرداخته شود و همین‌طور ارتباط کنش‌های گفتاری با وضعیت اجتماعی اشخاص موجود در اثر نیز سنجیده شده است.

لکن با تتبع در پژوهش‌های مربوط، این نتیجه حاصل شد که هیچ یک به طور خاص به بررسی کنش گفتار نمایشنامه فردا چه می‌شود؟ نپرداخته است و این تحقیق نکات تازه‌ای را نسبت به پژوهش‌های گذشته آشکار می‌سازد که به‌تفصیل در این پژوهش از آن سخن به میان آمده است.

۲-۱. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی - توصیفی - تحلیلی است که بر مبنای چارچوب نظری کنش‌های گفتاری در حوزه کاربردشناسی زبان استوار شده و عمدتاً از رویکرد جان سرل در طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری به پنج دسته اصلی (اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی) بهره می‌گیرد. روش تحلیل این پژوهش، تحلیل کنش گفتاری به‌عنوان رویکردی است که متون ادبی را از منظر ساختارهای زبانی و زمینه‌های متنی مورد‌مطالعه قرار می‌دهد و با رویکرد میان‌رشته‌ای، نظریه‌های زبان‌شناسی کاربردی را با تحلیل متون ادبی تلفیق می‌کند. مراحل اجرای پژوهش شامل شناسایی و استخراج کنش‌های گفتاری از متن نمایشنامه «فردا چه می‌شود؟»، دسته‌بندی آنها بر اساس پنج نوع کنش گفتاری سرل، تحلیل کارکرد هر کنش در بافت نمایشنامه، بررسی توزیع و بسامد انواع کنش‌ها، تحلیل ترکیب‌های پیچیده کنش‌های گفتاری، و بررسی ارتباط این کنش‌ها با ساختارهای اجتماعی - فرهنگی است. تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل محتوایی پاره‌گفتارها و شناسایی لایه‌های پنهان معنا شامل تحلیل واژگان، بررسی دلالت‌های ضمنی، کشف پیش‌فرض‌های نهفته و موشکافی ساختار جملات انجام شده است. رویکرد تحلیلی پژوهش، بررسی کنش گفتارها در درون بافت اثر ادبی با در نظر گرفتن منویات نویسنده، نیات شخصیت‌ها، شرایط اجتماعی-تاریخی دوران نگارش و نقش‌گوش لبنانی در

شکل‌دهی کنش‌های گفتاری است که در مجموع امکان تحلیل عمیق و چندوجهی متن نمایشنامه را فراهم آورده و به کشف لایه‌های مختلف معنایی در کاربرد زبان کمک کرده است.

۳-۱. چارچوب تحقیق

چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای نظریه کنش‌های گفتاری در حوزه کاربردشناسی زبان استوار است. این مطالعه عمدتاً از رویکرد جان سرل در طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری به پنج دسته اصلی (اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی) بهره می‌گیرد تا به تحلیل کاربرد این کنش‌ها در نمایشنامه «فردا چه می‌شود؟» اثر زیاد الرحبانی بپردازد. جان سرل، شاگرد آستین، این نظریه را گسترش داد و با ارائه طبقه‌بندی منسجم‌تر، پنج نوع کنش گفتاری را تعریف کرد که عبارت‌اند از: پنج کنش اظهاری، تعهدی، عاطفی، ترغیبی و اعلامی

نظریه کنش‌های گفتاری در حال شکل‌گیری، واکنشی بود در برابر آنچه آستین آن را «مغالطه توصیفی» می‌نامید (سرل، ۱۹۶۸: ۴۲۳). از دیدگاه او، دسته‌ای از جملات در زبان وجود دارند که حالت‌ها، واقعیت‌ها یا چیزی را گزارش، توصیف و بیان نمی‌کنند. به اعتقاد جان راجرز سرل، نظریه کنش گفتار بر یک فرضیه بسیار مهم و یک اصل بنیادین استوار است: فرض سرل این است که سخن گفتن به یک‌زبان، مشارکت در نوعی رفتار قاعده‌مند و بسیار پیچیده است (سرل، ۱۹۶۹: ۲۲). اصل موردنظر سرل، یعنی «اصل بیان‌پذیری»، این است که: هر آنچه را بتوان قصد کرد می‌توان بیان نمود (همان، ۱۹).

۲. بحث و بررسی

۲-۱. تحلیل کنش‌های گفتاری

۱-۱-۲. کنش ترغیبی^۱: ابزاری برای اعمال قدرت و کنترل اجتماعی.

چنان‌که از عنوان این نوع کنش برمی‌آید، هدف از آن این است که کاربرنده زبان با بهره‌گیری از کلمات، مخاطب را به اجرای عملی تشویق نماید یا از انجام آن بازدارد. کنش ترغیبی شامل سه مقوله اصلی می‌شود: «دستورها، درخواست‌ها و پیشنهادات». نمونه‌های بارز این کنش گفتاری را در پرسش‌ها یا تقاضاها می‌توان یافت. افعالی نظیر خواستن، فرمان دادن، نصیحت کردن، اندرز دادن، پافشاری کردن، آگاه‌ساختن، میهمان کردن، پرسیدن، عذرخواستن، مشروط کردن، مجوز دادن، اطمینان‌بخشیدن، روحیه‌دادن و تحریک‌نمودن جزء افعال ترغیبی محسوب می‌شوند. (ایشانی و نعمتی قزوینی، ۱۳۹۳: ۳۲) به‌عنوان مثال من به شما دستور می‌دهم به او احترام بگذارید. کنش‌های ترغیبی که در قالب دستورات، درخواست‌ها، التماس‌ها، پیشنهادات و

هشدارها ظاهر می‌شوند، یکی از پرکاربردترین انواع کنش‌های گفتاری در این نمایشنامه محسوب می‌شوند و نقش کلیدی در برقراری و تثبیت روابط قدرت میان شخصیت‌ها ایفا می‌کنند. این کنش‌ها که هدف مستقیم یا غیرمستقیم واداشتن مخاطب به انجام یا ترک عملی را دارند، در بسیاری از موارد به‌عنوان وسیله‌ای برای نمایش سلسله‌مراتب اجتماعی، موقعیت‌های شغلی و روابط قدرت به کار می‌روند.

مثال: «لیک انت یا ابنی بتسکتلو اول شی و بتسکتلو آخر شی. الزبون شو ما عمل معو حق. بدّی ضلنی فهمک؟»

این جمله که در ظاهر یک دستور ساده برای سکوت کردن است، در عمق خود حاوی لایه‌های معنایی متعددی است که نظام ارباب-رعیتی در روابط کاری و اجتماعی آن دوران لبنان را بازتاب می‌دهد. استفاده از «یا ابنی» (پسر) نه تنها برای برقراری ارتباطی نزدیک‌تر است، بلکه ابزاری برای تأکید بر سلسله‌مراتب قدرت نیز محسوب می‌شود که در آن مافوق نقش پدران‌ای را بر عهده می‌گیرد و مأمور باید مثل یک فرزند مطیع عمل کند.

«فرّ جیلی قنینه دمیل عالسریع من جوا. الست لورا طالبه دمیل وما بقا عندی فرّ»

در این مثال، کنش ترغیبی که درواقع دستوری برای انجام کاری فوری است، نه تنها فوریت شرایط کاری؛ بلکه فشارهای عملیاتی محیط کار را نیز نشان می‌دهد. استفاده از کلمه «فرّ» (بهر) که دلالت بر سرعت و شتاب دارد، نشان‌دهنده ریتم سریع و پرتنش زندگی در آن محیط اجتماعی است.

۲-۱-۲. کنش تعهدی^۱: تجلی باورهای فرهنگی و تعهدات اجتماعی.

کنش‌های تعهدی دربرگیرنده التزام به انجام فعلی در آینده هستند. افعالی از قبیل قول دادن، سوگند یادکردن، پیمان بستن، ضمانت کردن، موافقت نمودن، متعهدگشتن، داوطلب شدن و غیره در این گروه قرار می‌گیرند. مثال: «من قبولی او را در آزمون ورودی تضمین می‌کنم.» در کنش‌های تعهدی، سخنگو خود را ملزم به اجرای عملی می‌نماید که در گزاره بیان شده است. به عبارت دیگر گوینده با این نوع کنش زبانی، تعهدی را برای خود ایجاد می‌کند تا میان دنیای بیرونی و شرایط مطلوب مدنظرش هماهنگی و سازگاری به وجود آورد (سرل و وندرویکن، ۱۹۸۵: ۳۷) کنش‌های تعهدی که شامل تضمین‌های شفاهی و تعهدات آتی می‌شوند، نقش بسیار حساسی در ترسیم فضای اخلاقی و فرهنگی نمایشنامه ایفا می‌کنند. این کنش‌ها که ریشه در فرهنگ سنتی لبنانی و عربی دارند، اهمیت کلام و شرف انسانی را در آن جامعه نشان می‌دهند و اغلب با استفاده از عناصر مذهبی، خانوادگی و فرهنگی تقویت می‌شوند.

مثال: «استاذ أنا مسؤول عن كل شی هون وما بیصیر إلّا عاخطرک»

این جمله که ترکیبی از اعلام مسئولیت و قول خدمت‌رسانی است، در حقیقت نمایش کاملی از تفکر فئودالی و روابط ارباب - رعیتی است که در ساختار اجتماعی لبنان آن دوره ریشه داشته است. گوینده با این بیان، نه تنها مسئولیت کامل را می‌پذیرد؛ بلکه خود را رسماً در موقعیت یک خدمتگزار قرار می‌دهد که هرچه مافوق بفرماید بدون چون و چرا انجام می‌شود، و این نگرش در حقیقت بازتابی از نظام سنتی‌ای است که در آن وفاداری و تبعیت مطلق ارزش‌های اصلی محسوب می‌شوند.

«یا ثریا و حیاء ولادی یعنی جمعۀ الماضیۀ ما بدی قآک بخاف إنک ماتصدقینی، جمعۀ الماضیۀ حاطین من جیتنا مش عم بکذب والله العظیم وهای زکریا إسألیه»

در این مثال پیچیده، سوگندهای متعدد نه تنها برای تأکید بر صدق ادعا کاربرد دارند؛ بلکه نمایانگر عمق بحران اعتماد در روابط اجتماعی و خانوادگی نیز هستند، زیرا گوینده احساس می‌کند مجبور است برای اثبات یک واقعیت ساده، به سلسله‌مراتبی از شواهد و قسم‌های مذهبی و خانوادگی دست بزند که این موضوع خود شاخصی از فروپاشی اعتماد متقابل در جامعه است.

۳-۱-۲. کنش عاطفی^۱: آینه تناقضات روحی و اجتماعی.

در این نوع کنش، احساسات گوینده از طریق واژگان احساسی و عاطفی با محتوای مثبت یا منفی بیان می‌گردد. نمونه‌هایی از این افعال عبارت‌اند از: تیریک گفتن، تسلیت اظهارکردن، ستایش نمودن، هجوکردن، ابراز تأسفکردن، تحسین نمودن، ابراز شگفتی کردن، درودفرستادن، احترام گذاشتن، قدردانی کردن و مانند آن. برای مثال «انجام چنین کاری از شما باعث شرمساری است.» در این گروه از کنش‌های گفتاری، سخنگو عواطف خویش را از راه‌هایی چون سپاسگزاری، پوزش خواهی، شادباش، ناسزاگویی و نظایر آن ابراز می‌دارد. (اشانی و نعمتی قزوینی، ۱۳۹۳: ۱۷۸) کنش‌های عاطفی که طیف وسیعی از احساسات انسانی شامل خشم، نفرت، عاطفه، حسرت، شادی، امید و ناامیدی را پوشش می‌دهند، نقش بسیار مهمی در نمایش روح انسانی و تناقضات درونی شخصیت‌ها دارند. این کنش‌ها که هم از ظرافت‌های زبانی محلی بهره می‌برند و هم پیچیدگی‌های روحی - اجتماعی بازگو می‌کنند، پنجره‌ای مستقیم به سوی عواطف و احساسات شخصیت‌ها می‌گشایند.

مثال: "حرومزاده، son of the bitch·bastard"

این ترکیب زبان‌های متعدد در بیان فحاشی نه تنها نشان‌دهنده خشم شدید؛ بلکه بیانگر تحولات فرهنگی عمیقی است که جامعه لبنانی آن دوره تجربه می‌کرده است. استفاده هم‌زمان

از فحاشی‌های عربی و انگلیسی نشان می‌دهد که چگونه زبان‌های مختلف در فضای احساسی شخصیت‌ها درهم آمیخته شده‌اند و زبان مادری دیگر برای بیان عمق خشم و احباط کافی نیست، که این موضوع خود شاخصی از بحران هویتی و فرهنگی است که جامعه در آن زمان تجربه می‌کرده. فرهنگ در یک معنای عام، به‌عنوان بُعد معنوی تمدن و با رویکردی انسان‌شناسانه، مجموعه اندوخته‌های معنوی یک ملت و جامعه است که دارای تعاملی دوسویه با دین است؛ تعاملی که مبتنی بر حقیقت و حقیقت‌جویی است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۳).

«یا زلمی! استاذ کبیر هیذا کیف بتعمل معو هیک إنت!»

این جمله که در ظاهر یک سرزنش ساده است، در عمق خود کشمکش درونی کارگری را نشان می‌دهد که بین وفاداری به کار و انصاف اخلاقی دست‌وپنجه نرم می‌کند، و این تناقض یکی از موضوعات اصلی نمایشنامه است که چگونگی شکست مبانی اخلاقی سنتی در مواجهه با شرایط دشوار اقتصادی را نشان می‌دهد.

۲-۱-۴. کنش‌آزمایی^۱: بازتاب واقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی.

کنش‌های آزمون‌آزمایی که عمدتاً برای بیان واقعیت‌ها، نظرات، اعتقادات و توضیحات استفاده می‌شوند، در این نمایشنامه نقش کلیدی در ترسیم فضای اجتماعی و اقتصادی جامعه لبنانی آن دوره ایفا می‌کنند. این کنش‌ها که هم به‌عنوان ابزاری برای تحلیل شرایط و هم وسیله‌ای برای نقد ضمنی عمل می‌کنند، اغلب حاوی لایه‌های متعدد معنایی هستند که از جملات ساده‌ای که در ظاهر توصیفی به نظر می‌رسند، ابزارهایی برای نقد اجتماعی می‌سازند. در کنش آزمون‌آزمایی، سخنگو اعتقادات و باورهای شخصی خود را درباره حقیقت یک گزاره ابراز می‌کند و به توصیف واقعیت‌ها و پدیده‌های موجود در جهان خارج می‌پردازد و چگونگی وضعیت امور را بیان می‌نماید. این نوع کنش گفتاری را می‌توان در عباراتی مشاهده کرد که به تأکید بر نکته‌ای خاص یا استنتاج از موضوعی معین می‌پردازند. افعالی مانند اظهارکردن، بیان‌داشتن، سخن‌گفتن، تکذیب‌نمودن، تأییدکردن، توضیح‌دادن، اعتراض‌کردن، مباحثه‌نمودن، تصحیح‌کردن، استدلال‌آوردن، اثبات‌نمودن، گزارش‌کردن و معرفی‌کردن در این دسته جای می‌گیرند (ایشانی و نعمتی قزوینی، ۱۳۹۳: ۳۲).

مثال: «خیی العربی بالمحل حقو ۳۰۰ لیره. عم بدرس بلکی هالأنکلیزی بیشقلو شوی»

این جمله که در ظاهر یک گزارش ساده از واقعیت اقتصادی است، در عمق خود تفکر استعماری و ارزش‌گذاری نادرست زبان‌ها و فرهنگ‌ها را نقد می‌کند، زیرا نشان می‌دهد که چگونه در یک نظام اقتصادی نابرابر، زبان مادری که موروث فرهنگی و هویتی است، ارزش

اقتصادی کمتری از زبان قدرت‌های استعماری دارد، و این موضوع خود نمادی از نوکولونیالیسم فرهنگی است که در جامعه لبنانی رسوخ کرده. هویت در افراد و آحاد یک ملت رخ می‌دهد و سپس اجتماع را در برمی‌گیرد؛ بنابراین در تعریف آن می‌توان گفت: مجموعه عوامل، آثار و نشانه‌هایی که یک فرد را از یک فرد دیگر متمایز می‌کند (اعم از سیاسی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، شخصیتی، دینی و...)، هویت نامیده می‌شود. هویت پدیده‌ای است که از من شروع و به ما منتهی می‌شود. به بیان دیگر، از احساس خود بودن به احساس همبستگی با اجتماع بزرگ ملی گسترش پیدا می‌کند. هویت فردی یعنی آگاهی فرد نسبت به خود و هویت اجتماعی عبارت است از تصور و آگاهی فرد از دیگران (داوودنیا و زرگرزاده درزقولی، ۱۳۹۹: ۵).

«ما أنا معك يا ثريا أنا معك بس شو عنا ببلدنا نحنا، ولك لا مواد أولية عنا لا زراعة ولا صناعة عنا، ما فيها شي هالبلد نعم بيضطر يسافر الواحد طيب وليش لا يطلع مصاري وبيرجع»

این بیان پیچیده نه تنها یک تحلیل اقتصادی صریح بلکه یک نقد تمام‌عیار از سیاست‌های دولتی است که منجر به عدم توسعه زیرساخت‌های اقتصادی شده و مردم را مجبور به مهاجرت کرده، درحالی‌که گوینده با مهارتی خاص، این نقد سنگین را در قالب یک گفتگوی خانوادگی ارائه می‌دهد که هم واقعیت‌های تلخ را می‌گوید و هم سعی می‌کند از طریق توجیه مهاجرت، باری از روی وجدان خود و خانواده بردارد.

۱-۲-۵. کنش اعلامی^۱: غیبت معنادار.

در کنش اعلامی، وضعیت جدیدی اعلام می‌شود به این معنا که همگام با بیان آن شرایط، تطابقی میان زبان و واقعیت خارجی ایجاد می‌گردد. البته صرف اعلام وضعیت تازه به معنای اجرای یک کنش اعلامی نیست، بلکه شرایطی برای تحقق آن ضروری است، از جمله اینکه گوینده صلاحیت اعلام وضعیت جدید را داشته باشد (پهلوان نژاد و رجب‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۱)؛ مثال: «به دلیل پایبند نبودن به حکم قرارداد، من آن قرارداد را فسخ اعلام می‌کنم.» افعالی که در این دسته کنش گفتاری جای می‌گیرند عبارت‌اند از: اعلام کردن، منصوب‌نمودن، به خدمت‌گماردن، اخراج کردن، خاتمه‌دادن، نام‌گذاری کردن، باطل‌نمودن، فسخ کردن و نظایر آن‌ها (ایشانی و نعمتی، ۱۳۹۳: ۳۳-۲۸). یکی از یافته‌های جالب این تحلیل، غیبت کامل کنش‌های اعلامی در نمایشنامه است که این موضوع خود حامل معنای عمیقی است. این نوع کنش‌ها که در نظریه سرل برای ایجاد تغییرات فوری در واقعیت تعریف شده‌اند و نیاز به مقام و قدرت خاصی دارند، در این متن دیده نمی‌شوند؛ زیرا شخصیت‌های نمایشنامه در موقعیتی قرار ندارند که بتوانند واقعیت‌های اجتماعی را با زبان تغییر دهند. این غیاب در حقیقت نماد عجز ساختاری

شخصیت‌ها در تغییر شرایط زندگی‌شان است و نشان می‌دهد که آنها صرفاً مجبورند با واقعیت‌های موجود سازگار شوند.

۲-۲. تحلیل ترکیب‌های پیچیده کنش‌های گفتاری

الرحبانی در این نمایشنامه اغلب از ترکیب چند نوع کنش گفتاری در یک جمله بهره می‌برد که این موضوع نه تنها نشان از تسلط هنری او بر زبان دارد؛ بلکه ابزاری برای خلق عمق معنایی و چندلایگی در متن نیز محسوب می‌شود:

«رامز یَلا عفاک هلق إذا عرفت کیف تکون قد حالك إنت وأیاها یومین زمان بتصیر تضرّها»

این جمله هم‌زمان یک تشویق (کنش عاطفی)، یک توصیه (کنش ترغیبی)، و یک پیش‌بینی (کنش اظهاری) است که نشان می‌دهد چگونه الرحبانی با مهارت از امکانات زبان برای ایجاد گفتگوهایی زنده و پرمعنا استفاده می‌کند که در عین سادگی ظاهری، دارای عمق معنایی قابل توجهی هستند.

۲-۳. الگوهای زبانی خاص و نوآوری‌های ترجمه

یکی از ویژگی‌های برجسته این نمایشنامه، استفاده خلاقانه از گویش لبنانی که در خود ترکیبی از عربی فصیح، آرامی، فرانسوی و انگلیسی دارد، است. الرحبانی با بهره‌گیری از این ظرفیت زبانی، کنش‌های گفتاری چندلایه‌ای می‌آفریند که هر کدام در فرهنگ محلی معانی خاصی را القا می‌کنند:

«ما طالع عنک: به تو نرفته» «من غیر الشر: ماشاءالله هزار ماشاءالله» «مَسَحَ فیهِ الأرض: او را تحقیر کرد»

این معادل‌یابی‌های خلاقانه نشان می‌دهند که چگونه کنایه‌های فرهنگی در قالب کنش‌های گفتاری ظاهر می‌شوند و معانی را در لایه‌های متعدد فرهنگی منتقل می‌کنند.

۲-۴. جدول تحلیل کنش‌های گفتاری نمایشنامه «فردا چه می‌شود؟»

این جدول تحلیلی، کنش‌های گفتاری مختلف در نمایشنامه «فردا چه می‌شود؟» اثر زیاد الرحبانی را بر اساس طبقه‌بندی نظریه پراگماتیک آستین و سرل نشان می‌دهد. در این جدول، هر عبارت از متن اصلی نمایشنامه بر اساس نوع کنش گفتاری (ترغیبی، تعهدی، اظهاری، عاطفی، یا اعلانی) دسته‌بندی شده و علاوه بر ترجمه فارسی، کارکرد و زمینه استفاده آن نیز تحلیل شده است. این جدول به خواننده کمک می‌کند تا الگوهای زبانی و کارکردهای اجتماعی-فرهنگی گفتگوها را در بافت لبنان جنگ‌زده بهتر درک کند و نشان می‌دهد چگونه گویش

چندزبانی لبنانی (ترکیبی از عربی، فرانسوی، انگلیسی و آرامی) در خدمت اهداف نمایشی و انتقادی نویسنده قرار گرفته است.

ردیف	نوع کنش	متن عربی	ترجمه فارسی	تحلیل کارکرد	زمینه
۱	ترغیبی	ثریا: طیب عال بس اینک شکیب. ما طالع علیک	ثریا: باشه ولی پسرت شکیب مثل تو نیست	تشبیه	مقایسه
۲	ترغیبی	زکریا: شو یعنی؟	زکریا: یعنی چی؟	سؤال	درخواست توضیح
۳	ترغیبی	ثریا: بدک تخلیه بمدرسه رسمیه کمان	ثریا: می‌خوای اونو هم بذاری مدرسه دولتی	انتقاد	درباره تحصیل
۴	ترغیبی	ثریا: خلیه یتعلم مثل الخلق منشان مستقبلو	ثریا: بذار مثل بقیه درس بخونه برای آینده‌ش	توصیه	آینده‌نگری
۵	اظهاری	زکریا: بس شکیب مش عم یستوعب شی بهالمدرسه	زکریا: ولی شکیب تو این مدرسه چیزی یاد نمی‌گیره	بیان واقعیت	ارزیابی تحصیلی
۶	اظهاری	مستر هارولد: No, not enough man	هارولد: نه، کافی نیست آقا	اعلام کردن	رد پیشنهاد
۷	ترغیبی	زکریا: اینک حمامار یا ثریا	زکریا: پسرت کودنه ثریا	توهین	فحش خانوادگی
۸	عاطفی	زکریا: ما تزعلی منی یعنی ذکی الصبی بس حمامار	زکریا: ناراحت نشو منظورم اینه پسر باهوشیه ولی کودنه	توضیح تناقض	کم‌کاری تحصیل
۹	ترغیبی	ثریا: خلص‌های السنة بَلِّشو اذا سقط شکیب منشیلو بعدین	ثریا: این سال رو تموم کنه بعدش آگه مردود شد	پیشنهاد	صبر

		برداریمش			
۱۰	ترغیبی	زکریا: بدو ینجیح؟	زکریا: می‌خواد قبول بشه؟	سؤال طعنه‌آلود	تردید
۱۱	اظهاری	ثریا: ولادک بدهن یکلفوک مصارى لیتعلمو	ثریا: باید برای درس بچه‌ها پول خرج کنی	بیان حقیقت	مسئولیت
۱۲	ترغیبی	ثریا: رجاع جرب طلب زوده	ثریا: برگرد امتحان کن بین می‌تونیم اضافه حقوق بگیریم	پیشنهاد	راه حل
۱۳	اظهاری	ثریا: اذا ال ۱۳۰۰ لیرة شهریه مش عم یکفونا مش معناتها فی بعرقه	اگه ۱۳۰۰ لیر ماهانه کافی نیست، معنیش این نیست که ارزون تر پیدا میشه	بیان حقیقت	استدلال
۱۴	اظهاری	ثریا: انا بس قاعده بالبيت کنت قادرة غسل	من وقتی خونه بودم می‌تونستم دستی بشورم	طعنه	مقایسه شرایط
۱۵	ترغیبی	last order please	آخرین سفارش لطفاً	درخواست	اعلان
۱۶	ترغیبی	ثریا: ای خلص بقا	ثریا: آره باشه دیگه	پایان مباحثه	تسلیم
۱۷	ترغیبی	ثریا: خلینا نهددهن انو منترک	ثریا: بذار تهدیدشون کنیم که می‌ذاریم می‌ریم	پیشنهاد	تاکتیک
۱۸	اظهاری	ثریا: ما بقا فی شی ینفع غیر هیک	ثریا: دیگه راهی جز این نیست	قطعیت	ناامیدی
۱۹	ترغیبی	کیف بدک تصیری تطلعی کل نهار أحد عند خالتک	چجوری می‌خوای هر یکشنبه پیش خاله مهیبه بری	سوال	کنجکاوی

		فوارغ بخوری؟	مهیبه تակلی فوارغ؟		
تأکید	قسم	ثریا: و حقوقمون عوض نمی شه تا رنگش عوض نشه	ثریا: وما راح یتغیر معاشنا إلا ما یتغیر لونو	تعهدی	۲۰
تأکید	قسم	ثریا: به جونت جز این راهی نیست	ثریا: وحیاتک ما بقا فی شی ینفع غیر هیک	ترغیبی	۲۱
راهنمایی	دستور	ثریا: و بذار احساس کنه تو جدی هستی	ثریا: و خلیه یحس إنک جدی	ترغیبی	۲۲
تأیید	سؤال	زکریا: اینطوری می گی؟	زکریا: قولک؟	ترغیبی	۲۳
درخواست راهنمایی	سوال	کجا ارزون تره؟ راهنماییم کن	ثریا: وین فی بَعْرَقَه؟ دلنی	ترغیبی	۲۴
رفتار	توصیه	ثریا: تو حرفات رک و قاطع باش	ثریا: خلیک ناشف و قاطع بجدیثک	ترغیبی	۲۵
برنامه ریزی	سؤال	ثریا: خب حالا برای فردا چی؟	ثریا: طیب هلق بالنسبة لیکرا شو؟	ترغیبی	۲۶
عدم تصمیم	تسلیم	زکریا: ببین می خوام چی کار کنی یا لا	زکریا: شوفی شو بَدک عملی یللا	اظهاری	۲۷
پایان	اعلام رفتن	ثریا: خب باشه دارم می رم	ثریا: طیب اوکی أنا رایحه	ترغیبی	۲۸
کنجکاوی	سؤال	زکریا: بلژیکی کیست؟	زکریا: مین البلجیکی؟	ترغیبی	۲۹
مشخصات	توضیح	ثریا: نه این انگلیسی چاقه	ثریا: لا هیدا الإنکلیزی السمیک لیه	اظهاری	۳۰
اشتباه	تصحیح	زکریا: نه فکر کردم بلژیکیه	زکریا: لا، فکرت البلجیکی	اظهاری	۳۱
توجیه	دلیل	من بابامو	تینترهو أنا بیی	اظهاری	۳۲

		می‌برم تفریح چون آسم داره باید هوای تمیز بخوره	باخدو لآنو معو ربو لازم یشم هوا نضیف احلا ما یختنق		
دستور	تحقیر	ولی ساکت باش حرف نزن	ای لکن سکوت ما تحکی	ترغیبی	۳۳
صدا زدن	ندا	مدام لورا: زکریا	مدام لورا: زکریا	ترغیبی	۳۴
دستور رییس	توضیح	زکریا: آقا عدنان اینجوری می‌خواد برادر	زکریا: هیک بدو الخواجه عدنان خیی	اظهاری	۳۵
دستور به کارگر	دستور	یخ توش نذار	ما تحطّلو ثلجه فی	ترغیبی	۳۶
توجیه خرید	دفاع	بعدش ماشین لباسشویی فوق العاده نیست، اشتباه کردی	بعدين الغسالة مش فنطزیه، غلطان	اظهاری	۳۷
ستایش	دفاع	زکریا: آقا عدنان آدم بزرگيه	زکریا: إنسان کبير الخواجا عدنان	اظهاری	۳۸
موافقت	تأیید	نجیب: آره بخدا	نجیب: ای واللّه	تعهدی	۳۹
ستایش	تأکید	زکریا: انسان، به تمام معنای کلمه	زکریا: إنسان بکل معنی الکلمه	اظهاری	۴۰
همدردی	حدس	زکریا: ممکنه یتیم باشه کی می‌دونه	زکریا: هیدی لربما یتیمه یمکن مین بیعرف	اظهاری	۴۱
دلسوزی	تأسف	نجیب: وای	نجیب: الله	اظهاری	۴۲
دستور	درخواست دستوری	یه یخ توش بذار	و حطّلو تلجه وحده فی	ترغیبی	۴۳
انتقاد جدی	توجیه	اولاً این ماشین نیست این نملیه است	أولاً های مش سیاره های نملیه	اظهاری	۴۴
تصحیح	تاکید	دوماً این فیات ۱۵۰۰ نیست،	و تانیاً های مش فیات	اظهاری	۴۵

		این فیات ۱۳۰۰-۱۲۰۰ است	۱۵۰۰ های فیات ۱۲۰۰ ۱۳۰۰		
سرزنش	تاکید	سوماً فروختنش و چهارماً داری خیالپردازی می کنی	و تالتاً لبصوک یاها و رابعاً قاعد تخیل فیها حضرتک	اظهاری	۴۶
درخواست	خواهش-دستور	بدون یخ لطفاً	without ice please	ترغیبی	۴۷
دستور	تاکید	رضا دیگه غذا ندی	مابقا تعطی اُکل یا رضا	ترغیبی	۴۸
انتقاد	تعجب-انتقاد	شما رفتی ماشین ۳۵۰۰ لیر خریدی و چیزی نگفتی	جبت السیارة حضرتک به ۳۵۰۰ لیره وما قلتلک شی	عاطفی- اظهاری	۴۹
سؤال انتقادی	سوال	حالا ۷۵۰ لیر رو ماشین لباسشویی زیاد می بینی؟	هلق شایف ال- ۷۵۰ لیره عالمسالة کنار؟	ترغیبی	۵۰
تأدب	خداحافظی	نجیب: شب بخیر برادر	نجیب: تصیح عا خیر یا خیی	تعهدی	۵۱
تأدب	پاسخ	زکریا: شب تو هم بخیر	زکریا: وائت من أهلو	تعهدی	۵۲
خداحافظی	دعا	نجیب: ای کاش خدا	نجیب: یاریت الله	تعهدی	۵۳
حسابرسی	سؤال انتقادی	مسیو أنطوان: چرا مصرف کالا بیش از حد معمول شده؟	مسیو أنطوان: فی... فی... استهلاک بضاعة أکثر من العادی شو القصّة یا	ترغیبی	۵۴
حساب‌کشی	سؤال	مسیو أنطوان: ۲۰ بطری آوردیم کجا رفتن؟	مسیو أنطوان: جینا ۲۰ قنینه وین راحو؟	اظهاری	۵۵
کنترل	سؤال	مسیو أنطوان: با این یه بطری چند تا لیوان	مسیو أنطوان: قدّیش عم تعمل معک	ترغیبی	۵۶

		میدی؟	القنینه؟ کم کاس؟		
۵۷	اظهاری	زکریا: ۱۸	زکریا: ۱۸	پاسخ	عدد
۵۸	اظهاری	مسیو أنطوان: مضطبوط	مسیو أنطوان: مضطبوط	تأیید	تصدیق
۵۹	اظهاری	مسیو أنطوان: لکن ما بیصیر فی لعب فی بعزقه	مسیو أنطوان: لکن ما بیصیر فی لعب فی بعزقه	هشدار	اخطار
۶۰	اظهاری	مسیو أنطوان: إنت... أنا لاحظتک عدة مرات	مسیو أنطوان: إنت... أنا لاحظتک عدة مرات	اتهام	شک
۶۱	اظهاری	مسیو أنطوان: الکاس یعنی کبسه هیدا عیارو	مسیو أنطوان: الکاس یعنی کبسه هیدا عیارو	تعیین استاندارد	قانون
۶۲	ترغیبی	زکریا: منیج بس هالنص کبسه شو بدها تعمل؟	زکریا: منیج بس هالنص کبسه شو بدها تعمل؟	سؤال	بی‌اهمیتی
۶۳	ترغیبی	مسیو أنطوان: شو بدها تعمل؟ ای کبسه؟! خیلی!	مسیو أنطوان: شو بدها تعمل؟ ای کبسه؟! خیلی!	سؤال انکاری	تأکید
۶۴	اظهاری	مسیو أنطوان: تو عادت کردی اینجوری	مسیو أنطوان: إنت مصفاية معک طبیعیه	تشخیص	اتهام
۶۵	اظهاری	مسیو أنطوان: یعنی ۳۰ لیره بلک لیبل رو ضرر دادی	مسیو أنطوان: یعنی عالی‌بالک لیبل ۳۰ لیره راحو علینا	حساب	اقتصادی
۶۶	اظهاری	مسیو أنطوان: یعنی بطری که باید ۱۸ لیوان	مسیو أنطوان: معناتها القنینه المفروض تعمل	نتیجه	ضرر

		بشه ۱۲ تا میدی	۱۸ کاس بتعمل ۱۲ کاس		
ریاضی	محاسبه	مسیو أنطوان: جعبه ۱۲ بطری باید بشه	مسیو أنطوان: إنو الصندوق ۱۲ قنینه مفروض يعمل	اظهاری	۶۷
تهدید	هشدار	مسیو أنطوان: و اگه تا آخر سال پیشمون بمونی فاجعه می شه	مسیو أنطوان: واذا ضلّیت عنّا لآخر السنّه إن الله راد بتکون کارئه	اظهاری	۶۸
دفاع	اثبات	زکریا: شما آوردینشون	زکریا: إنتو جبتوهن	ترغیبی	۶۹
پذیرش	موافقت	مسیو أنطوان: ما آوردیمشون	مسیو أنطوان: نحنّا جبنّاهن	اظهاری	۷۰

۳. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با استفاده از نظریه کنش‌های گفتاری آستین و سرل به تحلیل نمایشنامه «فردا چه می‌شود؟» زیاد الرحبانی پرداخت و نشان داد که نویسنده با درک عمیق از امکانات زبان و پیچیدگی‌های فرهنگی-اجتماعی جامعه لبنان، از زبان نه‌تنها به‌عنوان ابزار ارتباط بلکه به‌مثابه عاملی برای نقد و تأثیرگذاری اجتماعی بهره برده است. یافته‌های تحقیق آشکار کرد که کنش‌های ترغیبی بیشترین فراوانی را داشته و برای ترسیم ساختارهای قدرت و سلسله‌مراتب اجتماعی استفاده شده‌اند. کنش‌های تعهدی از طریق قول‌ها و سوگندها، نظام ارزشی جامعه لبنانی را بازنمایی کرده و کنش‌های عاطفی با بهره‌گیری از گویش لبنانی و کنایه‌های فرهنگی، حالات روحی-اجتماعی آن دوره را ترسیم نموده‌اند. کنش‌های اظهاری نیز برای بیان واقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی و ارائه نقدهای ضمنی استفاده شده‌اند. غیاب کنش‌های اعلانی، نماد عجز شخصیت‌ها در تغییر واقعیت‌های زندگی‌شان است که یکی از ابعاد تراژیک نمایشنامه را تشکیل می‌دهد. استفاده خلاقانه از ترکیب چند کنش گفتاری در یک جمله و بهره‌گیری از گویش چندزبانه لبنانی برای خلق کنش‌های گفتاری چندلایه، از دیگر ویژگی‌های برجسته این اثر است. این پژوهش نشان داد که نظریه کنش گفتاری ابزاری قدرتمند برای کشف لایه‌های پنهان معنا در آثار ادبی است و تلفیق نظریه‌های زبان‌شناسی کاربردی با تحلیل متون ادبی می‌تواند دیدگاه‌های جدیدی ارائه دهد. در مجموع، نمایشنامه «فردا چه می‌شود؟» نه‌تنها اثری

هنری برجسته بلکه سندی ارزشمند برای درک کارکرد زبان در بافت‌های اجتماعی پیچیده است که در آن کنش‌های گفتاری به ابزارهایی برای نقد اجتماعی، تحلیل روان‌شناختی و بازنمایی واقعیت‌های فرهنگی تبدیل شده‌اند.

مشارکت نویسندگان:

- علی باقر طاهری‌نیا: طراحی و هدایت پژوهش، راهنمایی، نظارت علمی و بازبینی نهایی مقاله
- شهریار نیازی: تدوین چارچوب نظری، تحلیل داده‌ها، مشاوره علمی و نگارش بخش‌های تحلیلی
- زهرا فلاح‌نژاد: جمع‌آوری داده‌ها، بررسی متن نمایشنامه، نگارش اولیه و ویرایش

تشکر و قدردانی:

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده سوم با عنوان «بررسی کنش گفتارهای نمایشنامه بالنسبه لبرکا شو اثر زیاد الرحبانی»، در گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران می‌باشد. نویسندگان از اساتید و همکاران گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران که با راهنمایی‌ها و نظرات ارزشمند خود در انجام این پژوهش همکاری نمودند، صمیمانه قدردانی می‌نمایند.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

منابع

- ایشانی، طاهره، معصومه نعمتی قزوینی (۱۳۹۳). «تحلیل خطبه حضرت زینب (س) بر اساس نظریه کنش گفتار سرل»، *مطالعات قرآن و حدیث سفینه*، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۵۱-۲۵.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۰). تحلیل انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پهلوان زاده، محمدرضا، لیلا اصطهبانی (۱۳۸۷). «بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های روسای جمهوری ایران و آمریکا شهرپور ۱۳۸۵، سازمان ملل»، پژوهش‌های زبان‌های خارجی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۱، پاییز و زمستان، شماره مسلسل ۲۰۸، صص ۲۴-۱.

- پهلوان نژاد، محمدرضا، مهدی رجب زاده (۱۳۸۹). «تحلیل متن شناسی زیارتنامه حضرت امام رضا(ع) بر پایه نظریه کنش گفتاری»، *مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام*، سال چهل و دوم، شماره پیاپی ۲/۸۵، پاییز و زمستان، صص ۵۴-۳۷.
- داوود نیا، نسرين و زرگرزاده درزقولي، نسرين (۱۳۹۹). «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه (پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم)»، *پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی*، ۱۵/۱۸(۳)، صص ۲۰-۱.
- الرحبانی، زیاد (۱۹۷۸). *مسرحیه بالنسبة لبکرا... شو؟*، بیروت: شرکت ریلکس این، ۱۹۹۵.
- سیدی، سید حسین؛ زهرا حامدی شیروانی (۱۳۹۱). «تحلیل گفتمان آیات مربوط به قیامت در دو جزء آخر قرآن»، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، سال هجدهم، شماره ۳، صص ۲۱-۵.
- شهبازی، اصغر (۱۴۰۰). «پیوندهای فارسی عامیانه و کارکردهای عامیانه وندهای فعال زبان فارسی»، *پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی*، ۱۲(۳۰)، صص ۸۸-۷۲.
- فضائی، مریم؛ نگارش، محمد (۱۳۹۰). «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه بر اساس طبقه بندی سرل از کنش گفتاری»، *مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث*، سال چهل و سوم، شماره پیاپی ۸۶/۳، بهار و تابستان، صص ۱۱۸-۸۱.
- مرادی، فاطمه؛ حمیدی، زهرا؛ داوودنیا، شیرین (۱۳۹۹). «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی- اسلامی در کتب فارسی خوانداری پایه‌های اول تا ششم ابتدایی»، *پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی*، ۲(۶)، صص ۸۹-۷۸.

References:

- Agha-golzadeh, F. (2011). *Critical Analysis: The Development of Discourse Analysis in Linguistics*, second edition, Tehran: Elmi va Farhangi Publications. [In Persian]
- Al-Rahbani, Z. (1978). *Balnisbat Lebokra... Shou?*, Beirut: Relax-In Company, 1995. [In Arabic]
- Davoudnia, N. & Zargarzadeh Darzagouli, N. (2020). Analysis of National Identity Components in Persian Textbooks of Secondary Education (Grades 10, 11, and 12). *Research in Teaching Persian Language and Literature*, 15/18(3), 1-20. [In Persian]
- Fazaeli, M. & Negaresh, M. (2011). Analysis of the Fifty-First Sermon of Nahj al-Balagha Based on Searle's Classification of Speech Acts. *Islamic Studies: Quranic and Hadith Sciences*, 43(86/3), Spring and Summer, 81-118. [In Persian]
- Ishani, T. & Nemati Qazvini, M. (2014). Analysis of Lady Zaynab's (PBUH) Sermon Based on Searle's Speech Act Theory. *Safina Quranic and Hadith Studies*, 12(45), 25-51. [In Persian]

- Moradi, F., Hamidi, Z. & Davoudnia, S. (2020). Analysis of Iranian-Islamic Cultural Components in Persian Reading Textbooks for Elementary Grades 1-6. Research in Teaching Persian Language and Literature, 2(6), 78-89. [In Persian]
- Pahlavannejad, M. & Rajabzadeh, M. (2010). Textual Analysis of Imam Reza's (PBUH) Pilgrimage Text Based on Speech Act Theory. Islamic Studies: Philosophy and Theology, 42(85/2), Fall and Winter, 37-54. [In Persian]
- Pahlavanzadeh, M. & Eshtehbani, L. (2008). Analysis of Speech Acts in Speeches of Iranian and American Presidents September 2006, United Nations. Research in Foreign Languages, Faculty of Literature and Humanities, University of Tabriz, 51, Fall and Winter, Serial No. 208, 1-24. [In Persian]
- Searle, J. (1968). Austin on Locutionary and Illocutionary acts. The Philosophical Review, 77(4), 405-424.
- Searle, J. (1969). Speech Acts: an essay in the philosophy of language. Cambridge: Cambridge University Press.
- Searle, J. & Vanderveken, D. (1985). Foundations of Illocutionary Logic. Cambridge: Cambridge University Press.
- Seyyedi, S. & Hamed Shirvani, Z. (2012). Discourse Analysis of Resurrection Verses in the Last Two Parts of the Quran. Quarterly Journal of Quranic Research, 18(3), 5-21. [In Persian]
- Shahbazi, A. (2021). Colloquial Persian Conjunctions and Colloquial Functions of Active Affixes in Persian. Research in Teaching Persian Language and Literature, 12(30), 72-88. [In Persian]